

زبان ترکی در دربار صفویه در اصفهان

زبان ترکی

در دربار صفویه در اصفهان

تورخان گنجه‌ای

شاه اسماعیل صفوی پس از آن که در سال ۹۰۷ در جنگ شرور در حوالی نخجوان برالوند میرزای آق‌قویونلو غلبه یافت، دولت صفویه را بنیان نهاد و تبریز را پایتخت قرارداد. شاه طهماسب پسر و جانشین شاه اسماعیل، ظاهراً به سبب فشار و حملات عثمانی‌ها، پایتخت را به قزوین منتقل کرد (۹۶۲). شاه عباس اول نیز پایتخت را از قزوین به اصفهان که مرکزیت داشت انتقال داد (۱۰۰۶). انتقال پایتخت از مناطق ترک‌نشین به اصفهان طبعاً لطمه‌ی سخت به اهمیت سیاسی و فرهنگی تبریز بود. از سوی دیگر اصلاحات نظامی شاه عباس نیز بطور کلی از نفوذ و اهمیت طوایف قزلباش کاسته بود.

اما علیرغم این تغییر و تبدیل، زبان ترکی یعنی زبان مادری شاهان صفوی و طوایف قزلباش که دولت صفوی را بنیاد گذاشته بودند، در پایتخت جدید یعنی اصفهان نیز، همچنان که در تبریز و قزوین بود، زبان رایج دربار و قشون باقی ماند. همچنین زبان ساکنان محله عباس‌آباد نیز طبعاً ترکی بود. این محله در جانب غربی بیرون شهر اصفهان جهت سکونت تبریزیان احداث گردیده بود.

سیاهان اروپایی و اروپائیان مقیم ایران درباره اهمیت این زبان در دوره صفویه اطلاعات جالبی به دست داده‌اند. این اطلاعات اگر چه در جاهایی که به مسایل نژاد و زبان مربوط است خالی از مسامحه نیست، ولی از لحاظ نشان دادن اهمیت فوق‌العاده زبان ترکی در این دوره شایان ملاحظه و مفید است.

پیترو دل‌واله جهانگرد ایتالیایی که طی دو سال اقامت در استانبول زبان ترکی را فراگرفته بود، در نامه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۶۱۷ که از اصفهان به دوستش ماریو اسکپیانو نوشته است، چنین می‌گوید: در ایران عموماً بیشتر به ترکی سخن گفته می‌شود تا فارسی، مخصوصاً در دربار و بین بزرگان رجال... تکلم به زبان ترکی دلیل این نیست که ایرانیان برای آن ارزشی بیش از فارسی قائل‌اند. بلکه بیشتر از این جهت است که تمام قشون از قزلباش‌ها تشکیل یافته است که اصلاً ترک هستند. غلامان شاه هم که از اقوام مختلف‌اند بیشتر به ترکی سخن می‌گویند و فارسی نمی‌دانند. از این رو نه تنها امرا اثر امور مربوط به قشون بلکه خود شاه هم که بیشتر اوقاتش را در میان آنان بسر می‌برد، برای تفهیم مطالب خود به ترکی سخن می‌گوید. و در نتیجه این زبان در تمام دربار و بین زنان و دیگران رواج یافته است. (۱)

دل‌واله در این نامه به اهمیت زبان فارسی نیز به عنوان زبان ادبی که در مکاتبات رسمی و فرامین شاه به کار می‌رود اشاره می‌کند. در نامه دیگری هم که در اوایل ماه مه ۱۶۱۸ نوشته است، درباره ملاقات و گفتگوی خود با شاه می‌نویسد: پس از آن که شاه دستور نشستن داد، به زبان ترکی از علت آمدنم به آن نواحی و سایر مطالب استفسار کرد.

زبان ترکی در دربار صفویه در اصفهان

من بطور خلاصه و به نحوی که برایم مقدور بود جواب گفتم. همین که جواب‌ها داده می‌شد، شاه چنانکه عادت اوست، همه آنچه را که شنیده بود به زبان فارسی برمی‌گرداند و نقل می‌کرد... یک بار توضیح مطلبی مشغول بودم، چون به زبان ترکی قسطنطنیه که در ایران عثمانلی به آن می‌گویند، و با ترکی اینجا در بسیاری از کلمات متفاوت است سخن می‌گفتم، شاه مطالب مرا درست نفهمید. (۲)

این مؤلف که در طول اقامت خود در ایران حتی یک شعر ترکی هم گفته است (۳) در سال ۱۶۲۰ کتابی درباره دستور زبان ترکی تالیف کرده و در مقدمه آن درباره اهمیت و فواید فراگیری زبان، به مناسبت قدرت امپراتوری عثمانی در اروپا و آسیا و آفریقا و حکومت قزلباش‌ها در ایران و سایر اقوام ترک در آسیای میانه، مطالب جالبی آورده است. (۴)

یکی دیگر از این اروپائیان آدام اولناریوس آلمانی است که از طرف دربار فردریک فن هلهشتاین به عنوان منشی سفارت به روسیه و ایران فرستاده شده و از نوامبر ۱۶۳۶ تا فوریه ۱۶۳۸ در ایران مقیم بوده است. اولناریوس در ضمن توصیف ضیافتی که شاه صفی برا سفر داده بود، می‌گوید: "وقتی ضیافت تمام شد، ایشیک آقاسی باشی به ترکی فریاد زد: سفره حقیقه، شاه ثولتیه، غازیلر قوتینه، الله دیلم الله الله، و حضرات کلمات اصلی الله الله را تکرار کردند." (۵)

همین مؤلف می‌گوید، ایرانیان غیر از زبان خود، خصوصاً در ولایات شیروان و آذربایجان و عراق و بغداد و ایروان، به کودکان ترکی هم یاد می‌دهند. همو می‌نویسد زبان ترکی بقدری در دربار اصفهان اهمیت دارد که آنجا بندرت یک کلمه فارسی به گوش می‌خورد. (۶) همین مؤلف باز می‌گوید که ایرانیان آثار شعری خوبی به ترکی و فارسی دارند و اسامی شعری از قبیل نسیمی، نوایی و فضولی را در ردیف فردوسی و حافظ و سعدی می‌آورد. (۷)

شوالیه ژان شاردن که مدت یازده سال (۷۰-۱۶۶۴ و ۷۷-۱۶۷۱) در ایران بوده و می‌نویسد: "از ابهر به بعد، در شهرها و روستاها تنها زبان فارسی به گوش می‌خورد، در حالی که تا آنجا عموماً زبان ترکی است. ولی این ترکی با زبانی که در ترکیه به آن تکلم می‌کنند اندکی فرق دارد." (۸) همین مؤلف در فصلی که راجع به زبان‌ها در سفرنامه‌اش دارد، درباره ترکی می‌گوید "ترکی زبان قشون و دربار است، و زنان و مردان منحصرأً به ترکی سخن می‌گویند، خصوصاً در خانواده‌های اشرافی. علت این امر آنست که خاندان (صفوی) از مناطق ترک‌زبا و از میان ترکمانان که زبان مادری‌شان ترکی است برخاسته‌اند." (۹)

سانسون که به نمایندگی از طرف پاپ به سال ۱۶۸۳ به ایران آمده و سه سال در اصفهان مقیم بوده است، ضمن بحث از اعتقاد ایرانیان به قدرت معنوی شاه و منزّه بودن وی از معاصی می‌گوید: آنان در ضمن هر صحبتی عبارت "قربان اولیم، دین ایمانوم پادشاه، باشینکا دونیم" (۱۰) را بکار می‌برند.

رافائل ثومان رئیس هیئت کبوشین در اصفهان که به سال ۱۶۴۴ به ایران آمده و همانجا در گذشته است، در کتاب "وضع ایران در ۱۶۶۰" ضمن اشاره به این که فارسی در ایران زبانی است که عامه مردم به آن تکلم می‌کنند، و ترکی زبانی است که در دربار رواج دارد، شرح مختصری راجع به ساختمان این دو زبان می‌دهد. وی که حسن زبان‌های یونانی و لاتینی را ناشی از فراوانی تصریف‌های مختلف و اهمیت خاص هر یک از آنها می‌داند، می‌نویسد: ترکی از این بابت، هیچ کمتر از آن زبانها نیست. وانگهی ترکی آنهمه صرف‌بی‌قاعده و اختلاف و تنوع در تصریف افعال و اسامی

زبان ترکی در دربار صفویه در اصفهان

هم ندارد، بلکه قواعد آن همه یکسان است. (۱۱) این مؤلف در سال ۱۶۸۴ رساله‌یی راجع به دستور زبان ترکی به لاتینی نوشته است که با وجود اختصار، از لحاظ نشان دادن بعضی از خصوصیات زبان ترکی این دوره مهم است. (۱۲)

انگلیت کمپفر آلمانی که به سال ۱۶۸۴ همراه هییتی با سفیر سوئد به ایران آمده و سمت منشیگری و طبابت را داشته است، راجع به ترکی می‌نویسد: "زبان ترکی دربار بیشتر زبان مادری خاندان سلطنت است تا مردم عادی... سخن گفتن به این زبان از طریق دربار در میان خانواده‌های اعیان و اشرف بقدری گسترش یافته است که اکنون ندانستن آن برای کسی که از امتیازی برخوردار باشد، اسباب شرمندگی است" (۱۳)

از همین دوره یک لغتنامه سه زبانه (ایتالیایی-فارسی-ترکی) در دست است که در حوزه راهبان کرملی در اصفهان تالیف شده است و نشان می‌دهد که ترکی تا چه حد برای تبلیغات دینی نیز مهم بوده است. (۱۴) این لغتنامه حاوی کلمات روزمره زبان محاوره است که با لغات آثار ادبی فرق دارد.

محمد طاهر وحید در ضمن وقایع سال ۱۰۷۰ سلطنت شاه عباس ثانی می‌نویسد: "چون درویش مصطفی ارائه مراجعت به وطن مالوف (الکاءروم) داشت، رقم اشرف به خط مبارک به اسم حاجی منوچهر خان بیگلربیگی شیروان... در سلک تحریر بل سمط اعجاز کشیدند" و سواد امان نامه را که به ترکی ست نقل می‌کند. (۱۵) زبان و سبک ساده و بی تکلف این امان نامه نمونه زبان احام و فرامینی است که ترکی در دره شاه اسمعیل و شاه طهماسب صادر می‌شده است. (۱۶) این زبان حد وسطی ست میان طبان گفتار و گفتگوی رومره و زبان مطمئن و پرتکلفی که در مکاتبات و مراسلات رسمی بین ایران و اروپا از دوره شاه عباس اول به بعد، بتقلید از منشیان عثمانی روج داشته است. به عنوان مثال می‌توان به عناوین دو نامه زیر اشاره کرد:

نامه شاه صفی به فردیناند ثانی امپراتور اتریش و پادشاه مجارستان.

و

نامه شاه سلطان حسین به فردریک اکسدوس (اوگوست) دول ساکسونی و پادشاه لهستان. (۱۷)

عبدالجلیل (عبدالجلیل) بن محمد رضا النصیری طوسی در مقدمه کتابی در لغت ترکی که نسخه خطی آن در دست است، می‌گوید که چون در شهر ذیقعه الحرام ۱۰۷۶ سال سوم جلوس شاه سلیمان سمت منشی الممالک به پدرش تفویض شد "از آنجا که از بسیاری ورود مکاتیب پادشاهان روم و قلماق و سایر سلاطین ترکی زبان به آستان آسمان بنیان که بایست به فارسی ترجمه شود، احتیاج به دانستن لغات مشکله ترکی می‌شد" پدر وی مدت بیست سال به جمع‌آوری لغت ترکی پرداخت و کتابی به ابواب و فصول ترتیب داده بود. در این کتاب لغات رومی و قزلباشی را "که امتیاز در میان ایشان کمتر است" در بابی جمع کرده و لغات جغتایی را در بابی دیگر و لغات قلماق را به عنوان خاتمه کتاب قرار داده بود، و قصد داشت که این کتاب را به نام آن پادشاه مرتب سازد، ولی اجل مهلت نداد و کتاب ناتمام ماند. عبدالجلیل پس از وفات پدر کتاب را باتغییراتی به اتمام رساند. کتاب مورد بحث حاوی مقدمه‌یی است در متعلقات زبان ترکی و چهار لغت نامه.

زبان ترکی در دربار صفویه در اصفهان

مطالب مقدمه این کتاب، چنانکه عبدالجمیل می‌نویسد، از منشآت سلیمانی ماخوذ است و قسمت ترکی عینا همان رساله دَوْران است در املاء و خط، نوشته محمدرضا مجلس‌نویس. کتاب با وضع حاضر نتیجه مساعی سه تن، از خانواده‌یی از منشیان دوره صفوی است. (۱۸)

زبان شعر و ادب دوره صفویه شاخه‌یی است از گروه جنوب غربی زبان ترکی. آثار ادبی این شاخه ابتدا در محیط جلایریان آذربایجان و عراق به وجود آمد. بعداً در زمان حکومت سلسله‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو نضجی تمام یافت.

تذکره نویسان عثمانی که درباره فرق اسلوب و طرز شعر فضولی (از شاعران اوایل دوره صفویه) با شاعران عثمانی که درباره فرق اسلوب و طرز شعر فضولی (از شاعران اوایل دوره صفویه) با شاعران عثمانی اشارات مبهمی کرده‌اند (۱۹)، به نظر من به اختلاف میان دو لهجه ادبی هم توجه داشته‌اند. فضولی که از ایل بیات بود، زبان خود را ترکی توصیف می‌کند و از شعرای عثمانی به عنوان بلغای روم، و از شاعران دوره تیموری به عنوان فصحای تاتار یاد می‌کند (۲۰) صادقی برای نخستین بار عبارت متکلمین قزلباش را نیز به این دو افزوده است (۲۱). قزلباشی اصطلاحی بود برای زبان ترکی رایج در دوره صفویه که پس از انقراض این سلسله، چون رنگ سیاسی و مذهبی داشت، از رواج افتاد.

شاهان صفوی برخلاف آنچه مشهور است حامی شعر و ادب بودند. این شاهان و شاهزادگان که بعضی خود شاعر ذواللسانین بودند (۲۲) از شعر فارسی و ترکی یکسان حمایت می‌کردند. شاه عباس که از طرفی به شفایی و دیگران دستور می‌داد که کتاب "مخزن" شاعر جغتایی حیدر را به فارسی برگردانند (۲۳)، از صادقی کتابدار هم می‌خواست که مثنوی مولوی را به ترکی درآورد.

در دربار صفویه منصب ملک‌الشعرایی مقامی رسمی بود و "خدمت او (ملک‌الشعرا) این که، هر سال که تحویل آفتاب به حمل می‌شود، باید پیشتر قصیده‌یی در مدح و ثنای پادشاه یا در تعریف بهار گفته باشد، و آن روز که عید نوروز است بیاورد، و در مجلس عام، در خدمت اقدس بخواند، و جهت ابنیه و عمارات پادشاهی که تازه احداث می‌شود تاریخی بگوید، و مثنوی و قصیده که در هر باب امر اشرف صادر شود در سلک نظم کشیده رساند" (۲۵)

در دیوان تاثیر تبریزی که مدتی از مستوفیان دربار بود، غیر از غزلیات ترکی، شعرهایی از قصیده و مثنوی و غیره به ترکی هست. از عناوین منظومه‌هایی که در زیر نام می‌بریم پیداست که در زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین وظیفه ملک‌الشعرایی به زبان ترکی را هم عملاً این شاعر بر عهده داشت است:

- قصیده (ترکی) تاریخ جلوس شاه سلطان حسین الموسوی که به نظر انور رسیده.

- ترجیع ترکی که به عرض نواب طوبی آشیان رسیده.

- مثنوی عیدیه (ترکی) که حسب الامر الاعلی به نظم درآمده و به عرض رسیده است.

- غزل (ترکی) مذیل به تاریخ ورود شاهزاده سلزان اکبرین اورنگ زیب که به نظر مبارک اشرف رسیده شرف استحسان

یافت. (۲۶)

زبان ترکی در دربار صفویه در اصفهان

در تذکره‌های این دوره اسامی و نمونه شعرهای ترکی عده زیادی از شعرا آمده است. شاعرانی را که از آنها دیوان یا تعداد قابل ملاحظه‌ی شعر ترکی در دست است، و فعالیت ادبی آنها در اصفهان با دربار صفویه رابطه نزدیک داشته است به ترتیب زیر می‌توان گروه‌بندی کرد:

الف - شاعرانی که منحصراً شعر ترکی گفته‌اند، مانند مسیحی (ورق و گلشاه)، قوسی (دیوان)، ملک بیک آواجی (دیوان)، مرتضی قلی خان ظفر (دیوان).

ب - شاعرانی که به فارسی و ترکی دیوان دارند: مانند امانی، و صادقی.

ج - شاعرانی که به فارسی شعر سروده‌اند ولی تعدادی شعر ترکی هم دارند: مانند صائب (هفده غزل ترکی)، واعظ قزوینی (نه غزل ترکی)، تاثیر تبریزی (بخش "ترکیات" شامل ۴۴۷ بیت، در کلیات این شاعر که حاوی قصاید و غزلیات و غیره است).

مآخذ:

۱ - I viaggi di Pietro Della valle, ed.F.gaeta, I (Roma, 1972),8

۲ همان مآخذ، ص ۲۳۶

۳ - Ettore Rossi, Versi turchi e altri scritti inediti di Pietro Della valle, RSO ۹۲-۹۸.

۴ - Ettore Rossi, importanza dell'inedita grammatica turca di Pietro Della Valle

Atti del XIX Congresso internazionale degli Orientalisti, (Roma, 1993), 203

۵ - Adam Olearius, Vermehrte neue Beschreibung der muscovitischen und persischen Reyse, (Schleswig, 1656), 512.

۶ همان مآخذ، ص ۶۱۶.

۷ همان مآخذ، ص ۶۲۴.

۸ - Voyages du Chevalier Chardin en Perse (Paris, 1811),II,385-386

۹ همان مآخذ، جلد چهارم، ص ۲۳۸.

۱۰ - P. Sanson, Estat Present du Royaume de Perse (Paris, 1694), 137

۱۱ - Raphael du Mans, Estat de la Perse en lan 1660 (Paris, 1890), 134 Sq

۱۲ نگاه کنید به: T. Gandjei, Turcica Agemica, London, 1989

۱۳ - Engelbert Kaempfer, Amoenitatum exoticatum politico-phsico-medica-rum

Fasciculi V, (Lemgoviae, 1712),144

۱۴ - Hung. 21 (1968), 15/13 A. Bodroligeti, On the Turkish Vocabulare of the Isfahan Anonymous, Acta Orient

۱۵ محمد طاهر وحید، عباسنامه، به اهتمام ابراهیم دهگان، اراک ۱۳۲۹. ص ۲۵۵.

۱۶ متن این دو نامه را L.Fekete در Philologia Orientalis ۱۹۷۳ چاپ کرده است.

۱۷ این دو نامه چاپ شده است، نگاه کنید به:

Iran Sahlarinin iki Turkce mektubu, TM, V-VI (1 934-36), 269-247 Fekete Layos ,

۱۸ نسخه خطی این لغتنامه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۱۹ تذکره لطیفی، نسخه خطی موزه بریتانیا Add.17339 ورق ۷۶. تذکره بیانی، نسخه خطی دانشگاه استانبول شماره ۲۵۶۸، ورق ۶۶

۲۰ کلیات فضولی، (استانبول ۱۹۲۴)، ۶-۷

۲۱ کلیات صادقی، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، ص ۱۰۲۲

۲۲ فخر هروی، روضه السلاطین، تصحیح خیامپور (تبریز ۱۳۴۵) ۱۲-۴ و ۲۸-۲۱ و صادقی، مجمع الخواص، تصحیح و ترجمه خیامپور

(تبریز ۱۳۲۷)

۲۳ نصراله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، جلد دوم، تهران ۱۳۲۴ ص ۳۹

۲۴ کلیات صادقی ۲۲-۱۰۲۱

۲۵ دستور الملوک میرزا رفیعا، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده علوم و ادبیات انسانی، شماره مسلسل ۶۸ (۱۳۴۸)، ص ۴۲۴

زبان ترکی در دربار صفویه در اصفهان

۲۶ کلیات تاثیر، نسخه خطی کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، برای توصیف این نسخه نگاه کنید به فهرست این کتابخانه تالیف ابن یوسف شیرازی، تهران ۱۸-۱۳۱۶ ص ۵۳-۷۶